

آذربایجان: در جستجوی هویت (تاریخچه)

Azerbaijan a Quest for Identity, A Short History, by Charles Van der Leeuw, Curzon Press, 2000, pp.224.

چارلز فن در لیو روزنامه‌نگار و خبرنگار هلندی است که بیش از دو دهه (از ۱۹۷۷ بدین سو) به این حرفه اشتغال داشته و در خاورمیانه (در لبنان و حوزه خلیج فارس) و قفقاز (در آذربایجان) در این زمینه به فعالیت پرداخته است. حاصل فعالیت حرفه‌ای او افزون بر تهیه گزارش‌ها و مقالات برای مطبوعات و رسانه‌های گروهی درباره دگرگونی‌های سیاسی، نگارش چند کتاب از جمله «جنگ خلیج»^{*} درباره جنگ عراق با ایران در ۱۹۸۶؛ «لبنان: زخمی بیگناه»^{**} در دسامبر ۱۹۸۹؛ درباره جنگ داخلی لبنان و «کویت می‌سوزد»^{***} درباره بحران کویت در اوایل ۱۹۹۱؛ و «طوفان برفراز قفقاز»^{****} در ۱۹۹۸ و سرانجام تألیف اثری است که در اینجا به معرفی و نقد آن می‌پردازیم: *گناه‌های انسان و مطالعات فرهنگی*

ناشر کتاب آن را جزو مجموعه کتابهایی با نام «جهان قفقاز» طبقه‌بندی کرده است و در پشت جلد کتاب، آن را چنین توصیف می‌کند:

«این کتاب نخستین اثر به زبان انگلیسی است که سیمایی اجمالی از تاریخ آذربایجان از آغازین خلقت انسان در دوران پیش از تاریخ و وقایع قرون وسطی در این سرزمین و رخداد‌های معاصر تا سالهای پس از فروپاشی شوروی، عرضه می‌دارد». سپس می‌افزاید: «کتاب حاضر راهی به

* The Gulf War

** Lebanon: The Injured Innocent

*** Kuwait Burns

**** Storm Over the Caucasus

سوی شناخت مفهوم هویت ملی آذربایجان بر بستر تاریخ باز می‌نماید و از اینرو سیمایی روشن از این ملت نوپا و اقوام آن و آرزوهای آنها به دست می‌دهد.»

در دیباچه‌ای که خانم پروفیسور سارا آشوربلی (استاد تاریخ دانشگاه باکو) بر آن نوشته، ضمن تقدیر از این اثر، آن را «تاریخ توصیفی و فشرده آذربایجان» معرفی می‌کند که افزون بر احتمال دوره‌های تاریخی باستان، کلاسیک و معاصر به بررسی ریشه‌ها و رویدادهای تأسفاتبار جنگ آذربایجان و ارمنستان بر سر قره‌باغ نیز پرداخته است. او در پایان امتیاز این اثر را در بهره‌برداری نویسنده از منابع دست اول و مشاهدات میدانی او در ثبت و نگارش رویدادهای مربوط به جنگ قره‌باغ برمی‌شمارد.

فن در لیبو تاریخچه آذربایجان را از ژرفنای تاریخ تا زمان حاضر، به شکلی موجز در قالب یک مقدمه کوتاه و دوازده بخش با رعایت پیوستگی تاریخی و یک بخش پایانی با نام «سخن واپسین» می‌کاود. لیبو دو پیوست، یکی «گاشماری از سیر رویدادهای تاریخ این سرزمین، از هنگام پیدایش انسان تا زمان حاضر» و دیگری «فهرست راهنما» به این کتاب منضم ساخته است. همچنین کتاب دارای دو نقشه درباره جمهوری آذربایجان، یکی نقشه حدود و ثغور سیاسی و دیگری نقشه خانات اصلی آذربایجان است.

نگارنده در مقدمه اثر در گفتاری کوتاه، ریشه و معنای واژه آذربایجان را این گونه باز می‌نماید:

«تبیین‌های گوناگونی از ریشه نام آذربایجان عرضه شده است، که پسندیده‌ترین آنها، این نام را واژه‌ای برگرفته از پارسی باستان می‌داند: به معنای «سرزمین آتش». وجه چنین تسمیه‌ای چاههای نفت و گاز فروزان در حاشیه شهر باکو بوده که در آغازین هزاره پیش از میلاد شعله‌ور گشتند.

مقدمه با گفتاری با نام «زمین‌شناسی و شرایط طبیعی» آذربایجان ادامه می‌یابد. در اینجا دگرگونی‌های زمین‌شناختی که در دوره‌های گوناگون زمین‌شناسی بر این سرزمین عارض شده و نیز ویژگیهای جغرافیای طبیعی آن به اجمال آمده است. بخش بعدی مقدمه، گفتاری درباره «مردم آذربایجان» شامل ساخت قومی و مذهبی و جوامع اقلیت است. پس از آن گفتار دیگری با عنوان «مردم شمال و آذربایجان» مطرح شده که به کم و کیف قومی و مذهبی مردمان شمال این

سرزمین می‌پردازد:

«بیشتر مردمان شمال، آذربایجانی و داغستانی و بزرگترین اقلیت آذربایجان لژی‌ها هستند». لیو بر این باور است: «همانگونه که سرزمین آذربایجان از چندگونگی زمین‌شناختی و آب و هوایی برخوردار است، مردمان آن نیز به لحاظ قومی گوناگون هستند و سرزمین کنونی [جمهوری] آذربایجان در واقع بخشی کوچک از گستره تاریخی و سرزمین مادری است که فراخنای آن از یکسو به روستای کنونی و از دیگر سو به دامنه‌های غربی کوه بابا در افغانستان غربی محدود شده است و این خطه سده‌ها در تصرف ایرانیان بوده و همچنان تا به امروز سهم بزرگی از بقایای این سرزمین مادری زیر سیطره ایرانیان است. او بر پایه گفته‌های مردم‌شناسان شوروی (پیشین) مردمان جمهوری آذربایجان را به شش گروه عمده قومی با نامهای: آیرم، قره‌پاپاق، پادار، شاهسون، قره‌داغ و افشار تقسیم می‌کند. این شش گروه در جمهوری آذربایجان، ترکیه، آذربایجان ایران و افغانستان پراکنده‌اند.

لیودر ادامه اظهار می‌دارد: «با وجود پاره‌ای از ادعاهای تاریخی بر پایه اصالت نژاد ترک - که در دوره ریاست جمهوری ابوالفضل ایلچی بیک، مدافع آیین پان تورانیسم شدت یافت - واقعیت‌های موجود این حقیقت را گوشزد می‌کند که با وجود سهم در خور توجهی از عناصر ترکی در تشکیل ملت جمهوری آذربایجان، عناصر مغولی و بویژه هند و اروپایی سهم اساسی در شکل‌گیری زبان، فرهنگ و دیگر سنن جمهوری آذربایجان داشته‌اند. آنچه جالب توجه است گفتار پایانی نگارنده به نام «زبانهای آذربایجان» است. او در مورد زبان مردم آذربایجان می‌گوید: «زبان امروز مردم آذربایجان در اصل ترکی است و نمی‌توان آن را لهجه‌ای برگرفته از عثمانی (عثمان لی) - که در ترکیه امروزی بدان تکلم می‌کنند - دانست.»

در اینجا دوازده بخش متوالی کتاب همراه با عناوین فرعی مندرج در ذیل هر بخش و چکیده‌ای از رویدادهای تاریخی را - که در قالب هر یک از این بخش‌ها بحث شده است - می‌آوریم:

بخش یکم: از دوره باستان تا آغاز قرون وسطی (ص ۲۵-۳۹)

۱. ریشه‌های اولیه ملت [جمهوری آذربایجان]

۲. پیدایش منائه و آلبانیا
 ۳. نیروهای مذهبی
 ۴. اسکندر بزرگ و گسترش روم
 ۵. پیدایش ارمنستان
 ۶. تجدید حیات ایران و درگیری دوباره بین آذربایجان و ارمنستان
 ۷. مذهب، عامل درگیری
- این بخش مروری است بر تاریخچه سرزمین آذربایجان از هزاره‌های یازدهم پیش از میلاد تا سده‌های چهارم و پنجم میلادی؛ از هنگام پیدایش نخستین ساکنان این سرزمین در میلیون‌ها سال پیش تا پیدایش ادیان مسیحی و زرتشتی و مزدکی در این منطقه که موجب برخوردهای شدید و جنگ شد.

بخش دوم: کشمکش ادیان جهانی در قرون وسطی (ص ۵۸-۴۰)

۱. ورود مسیحیت و برخورد آن با دین زرتشتی
۲. آشوب مهاجران ترک و پیدایش میخرنی‌ها
۳. ستیز قدرتهای بزرگ
۴. افول آلبانیای مسیحی و سیطره عربها
۵. افول عربها و ظهور خاندانهای فتودال جدید
۶. منازعه قدرت آتروپاتنا، ظهور دوباره شیروان و آران
۷. پسران محمد بن شداد

در ذیل عناوین بالا، تاریخ این سرزمین از سده چهارم تا دهم میلادی به اجمال بررسی شده است. فزاینده آن عبارتند از: تأسیس کلیسای آلبانی و ورود مسیحیت به این سرزمین و برپایی دولت مسیحی در ۳۱۳ م؛ تجزیه آلبانیا از امپراتوری ساسانی در ۴۵۰ م؛ مهاجرت ترکان اغوز از آسیای مرکزی به این سرزمین، به دنبال شکست آنها از آوارها؛ تجاوز هونها در ۴۸۴ م به این منطقه؛ مهاجرت قبیله ترکان سبیر در اواسط دهه بیستم سده ششم میلادی به این منطقه و فروپاشی پادشاهی آلبانیا؛ جنگ امپراتوری ایران با اتحادی از رومیان و ترکها بر سر آلبانیا در

● آذربایجان: در جستجوی هویت (تاریخچه)

۵۵۴م؛ تجاوز مغول‌های آوار در ۵۵۷م؛ جنگ روم با ترکان مهاجر جدید به سرکردگی سه قبیلهٔ برسیل و بولگار و خزر بر سر سرزمینهای ماورای قفقاز و تأسیس فدراسیون یغبوخان در فاصلهٔ ۵۶۵ تا ۵۷۱م؛ تجزیهٔ فدراسیون یغبوخان و در پی آن تشکیل مجدد پادشاهی آلبانی به فرمانروایی میخران‌ها در ۶۴۰م؛ آغاز تهاجم عربها به آلبانی در ۶۴۳م؛ جنگ ائتلاف رومی و آلبانی با عربهای مهاجم در ۶۵۴م؛ هجوم خزرها به آلبانی در ۶۶۲م؛ اتحاد خزرها و آلبانی در برابر عربها در ۶۶۴م؛ درگیری دمشق [امویان شام] و روم بر سر آلبانی در ۶۸۸-۹۰م؛ استیلای کامل عربها بر آلبانی و تأسیس دولت اسلامی در این سرزمین در ۷۰۴م؛ نبردهای اعراب با خزرها و سرکوب آنها در فاصلهٔ ۷۱۵-۶۳۳م؛ پیدایش فرقهٔ خُرمدینان در ۷۷۸م و قیام آنها علیه حاکمیت عربی (خلافت اموی) در منطقهٔ جنوبی قفقاز در ۷۹۳م؛ قیام به رهبری جاویدان، سرکردهٔ فرقهٔ خُرمدینان در ۸۱۴م؛ مرگ جاویدان و ظهور بابک خَرَمِ دین در ۸۱۶م؛ شکست قیام بابک و مرگ او در ۸۳۷م؛ قیام در شیروان و به قدرت رسیدن شیروان شاه در ۸۴۵م؛ شورشهای پراکنده در دربند، باکو و بخشهایی دیگر از منطقه در ۹۰۳-۴۴م؛ هجوم فرنگیان یا به عبارت بهتر اعقاب روسها - که از کرانهٔ جنوبی ولگا به سرزمین قفقاز هجوم آورده بودند - در فاصلهٔ سالهای ۹۴۴-۵م؛ پایان حاکمیت عربها بر این منطقه و تأسیس آزان به رهبری شَدادیان در ۹۴۸م؛ جنگ قدرت میان خاندان حاکم بر آزان در فاصلهٔ سالهای ۹۷۱-۸م.

بخش سوم: سلجوق، اتابک و حملهٔ مغول (ص ۷۷-۵۹)

۱. آمدن سلاجقه
۲. حکومت صلح و ثبات
۳. سلاجقه ایستادگی می‌کنند
۴. افول سلاجقه و ظهور اتابک‌ها
۵. سیاستهای پیچیده و دو پهلوئی ملکه تَمَر
۶. تجاوز مغول‌ها
۷. جلایریها، تیمور و پایان فرمانروایی مغول
۸. در آستانهٔ تجدید حیاتی دشوار

فرازهای تاریخی که در این بخش مرور شده‌اند، عبارتند از: تصرف اژان از سوی سلاجقه به فرماندهی ارسلان اسراییل در ۱۰۲۵م؛ تصرف باکو توسط روسها در ۱۰۳۲م؛ عقب‌نشینی روسها و قدرت گرفتن کسراتیان در ۱۰۳۴م که لقب شیروان‌شاه را بر خود نهادند؛ تجاوز گرجی‌ها به اژان در ۱۰۴۵؛ شکست اژان به دست سلاجقه در ۱۰۷۵م؛ پایان حاکمیت سلاجقه و الحاق اژان به پادشاهی گرجستان در ۱۱۲۱م؛ قدرت گرفتن شمس‌الدین دینز دوم و در پی آن تأسیس تدریجی فرمانروایی اتابک بر اژان در ۱۱۳۶م؛ تقسیم اژان میان گرجستان و ارمنستان در فاصله سالهای ۱۲۵۶-۱۱۹۵م؛ افول قدرت اتابک‌ها در نتیجه تهاجم سلطان ازبک از ۱۲۱۰-۱۲۵۶م؛ الحاق تدریجی اژان و آذربایجان به امپراتوری مغول در فاصله سالهای ۱۲۵۰-۱۲۵۶م؛ قیام شیروان علیه فرمانروای مغول، ارغون‌خان در ۱۲۹۱م؛ مقاومت گسترده به رهبری شیخ صفی‌الدین اردبیلی، نیای خاندان صفوی علیه حاکمیت مغول در منطقه کرانه اژانی دریای مازندران در فاصله سالهای ۱۳۰۰-۱۳۴۴م؛ شورش در تبریز در ۱۳۴۴م؛ جداشدن شیروان به فرمانروایی شیروان‌شاه قابوس از اژان در ۱۳۴۵م؛ قیام ۱۳۴۹م در تبریز و در پی آن قدرت‌گیری خاندان جلایری؛ قدرت یافتن تیمور لنگ در ۱۳۸۰م و انجام نبردهای پی‌درپی از سوی او برای تصرف آذربایجان؛ سقوط شیروان شاه هوشنگ از حکومت در ۱۳۸۲م و قدرتمندشدن خاندان دربند؛ جنگ تیمور و قتمیش، رئیس ترکمنان قره ایل - ارد در فاصله سالهای ۱۳۸۰-۵م.

بخش چهارم: منازعات تازه میان ترکها و ظهور مجدد پادشاهی ایران (ص ۷۸-۸۹)

۱. ستیز قره قوینلو و آق قوینلو
 ۲. آق قوینلو و قدرت‌یابی صفویان
 ۳. آذربایجان زیر سلطه صفویان
 ۴. محمد فضولی
 ۵. آذربایجان زیر فرمان عثمانی و تصرف دوباره آن به دست صفویه
 ۶. جدایی آذربایجان از ایران و جنگ داخلی
- فرازهای تاریخی که در این بخش مطرح شده است، عبارتند از: جنگ میان تیمور و قره قوینلو در فاصله ۱۴۰۴-۱۴۰۰م؛ مرگ تیمور در ۱۴۰۵م؛ منازعه قدرت میان تیموریان و قره

● آذربایجان: در جستجوی هویت (تاریخچه)

قوینلوها و در پی آن الحاق آذربایجان به امپراتوری تیموری در فاصله ۱۰-۱۴۰۸م؛ جنگ مجدد میان تیموریان و قره قوینلو و ظهور آق قوینلو در فاصله ۳۲-۱۴۱۰م؛ بن‌بست در روابط قره قوینلوها و آق قوینلوها در ۱۴۵۳م؛ شکست آخرین حاکم قره قوینلو، جوان‌شاه و به دنبال آن برتری آق قوینلوها به رهبری اوزون حسن در ۱۴۶۷م؛ جنگ با امپراتوری عثمانی در ۳-۱۴۷۲م؛ جنگ آق قوینلو با شروانشاهان که قلمروی آنها اردبیل را نیز در بر می‌گرفت؛ اسماعیل، خان اردبیل خود را شاه ایران خواند و سلسله صفویان را در ۱۵۰۰م تأسیس کرد و مذهب شیعه را به ایران و آذربایجان تحمیل کرد؛ وقوع سلسله جنگ‌هایی بر سر آذربایجان میان امپراتوری ایران و عثمانی در فاصله ۵۵-۱۵۱۴؛ تجاوز تاتارها به آذربایجان در فاصله ۹-۱۵۷۶؛ اشغال آذربایجان از سوی عثمانیان جدید در ۱۵۹۰م؛ عقب‌نشینی عثمانیان در ۱۵۹۹م از آذربایجان؛ رخ دادن شورشهایی در قره‌باغ به رهبری جلالی‌ها در فاصله ۷-۱۶۰۳م؛ کوششهای دوباره عثمانیان برای غلبه بر آذربایجان در فاصله ۱۱-۱۶۰۴م؛ شورش در شیروان و تالش و برخوردهای نظامی مجدد در آذربایجان میان نیروهای عثمانی و ایران در فاصله ۳۹-۱۶۱۴م؛ شورشهای گسترده در آذربایجان علیه صفویان در ۱۶۷۱م؛ تلاشهای جدایی‌طلبانه جدید در قره‌باغ از سوی ملیک‌های ارمنستان در ۱۶۸۷م؛ جنبش‌های جدایی‌طلبانه علیه صفویان از جانب شاهزادگان فتودال آذربایجان در فاصله ۱۷۰۶-۱۶۹۰م.

بخش پنجم: تسلط روسیه بر آذربایجان (ص ۱۰۳-۹۰)

۱. نبرد پتر و آخرین اشغال ایران
 ۲. آخرین کنفدراسیون فتودال و تجدید جنگ داخلی
 ۳. بازگشت روسها
 ۴. سیطره روسیه دامن گیر شد
 ۵. آذربایجان زیر سلطه تزارها
 ۶. مطرح شدن باکو به عنوان کانون نفت جهان
- پایان یافتن عمر سلسله صفویه و اشغال سرزمینهای آذربایجان در کرانه خزر، از سوی روسها در ۱۷۲۲م؛ ملک داوید ارمنی خود را خان قره‌باغ خواند؛ در ۱۷۲۸م روسیه از آذربایجان

عقب نشست و داوید ارمنی به وسیله شاهزادگان ارمنی و با کمک ارتش عثمانی برکنار شد؛ بروز جنگ قدرت در ایران در پی انقراض صفویه در ۱۷۳۲م؛ حمله نادرشاه به آذربایجان در ۱۷۳۵م؛ مرگ نادرشاه در ۱۷۴۷م و در پی آن خانات منطقه جایگزین حکومت او شدند و آخرین کنفدراسیون فتودال در آذربایجان تأسیس شد؛ کوشش حاجی چلب برای حکومت بر این کنفدراسیون در فاصله ۱۷۴۸-۵۵م؛ تلاش‌های فتحعلی‌خان، خان قُبه برای سیطره بر کنفدراسیون مزبور در فاصله ۱۷۵۷-۸۴م؛ نبرد آغامحمدخان برای تصرف آذربایجان در ۱۷۸۳م؛ اشغال سراسر آذربایجان از جانب روسها سوای نخجوان، ایروان و تالش و مغان در فاصله ۱۸۰۲-۶م؛ انعقاد معاهده گلستان و در پی آن الحاق منطقه تالش و مغان به روسیه در ۱۸۱۳م؛ جنگ روسها با ایران و عثمانی؛ تصرف نخجوان و ایروان به دست روسها و انعقاد معاهده ترکمانچای با ایران در ۱۸۲۸م؛ شورش‌های پراکنده در شهرهای قُبه، تالش و مغان، شماخی، بلوکان و شکی در سالهای ۱۸۳۰-۶۳م؛ کشف نفت در عمق ۱۰۰ پایی در آبشرون آذربایجان از سوی آمریکایی‌ها در ۱۸۷۰م و استخراج آن توسط برادران نوبل و تأسیس نخستین پالایشگاه نفت باکو در ۱۸۷۳-۴م؛ جنگ عثمانی و روسیه و اشغال باکو از سوی روسها در ۱۸۷۸م؛ بازگشایی خط آهن باکو - باتومی و صدور نفت خام در ۱۸۸۳م؛ بروز قحطی و برقراری شرایط وخیم زندگی در شرق آذربایجان در سالهای ۱۸۹۰-۴م؛ در صدر قرار گرفتن باکو در بازار جهانی نفت با صدور ۱۱/۷ میلیون تن نفت در سال ۱۹۰۱م.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

بخش ششم: ظهور و سقوط جمهوری اول (ص ۱۲۳-۱۰۴)

۱. آذربایجان درگذر: رویدادهای سالهای ۱۹۰۴-۷م

۲. شکل‌گیری جنبش کمونیستی در باکو

۳. جنگ جهانی اول و فدراسیون ماورای قفقاز

۴. فدراسیون ماورای قفقاز و کمون باکو

۵. فروپاشی فدراسیون ماورای قفقاز

۶. سقوط کمون باکو

۷. جمهوری آذربایجان تحت فرمان مسقطی‌ها

۸. فترت سیاسی و اقتصادی

۹. سقوط جمهوری

۱۰. تراژدیهای فراموش شده در آشوب جهانی

فرازهای تاریخی این بخش عبارتند از: شکست دموکراتها در روسیه و بروز درگیریهای خشونت بار میان جوامع آذربایجانی و ارمنی در آذربایجان در سالهای ۱۹۰۵-۱۹۰۷م؛ آغاز جنگ جهانی اول در ۱۹۱۴م؛ شاخه نظامی حزب مساوات در گنجه در ۱۹۱۵م قدرت را به دست گرفت و جمهوری آذربایجان را اعلام کرد. در پی آن روسها این حرکت را به شدت سرکوب کردند؛ به قدرت رسیدن منشیویکها در روسیه در فوریه ۱۹۱۷؛ تشکیل فدراسیون ماورای قفقاز؛ انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ و روی کار آمدن بلشویکها در روسیه و تشکیل کمون باکو در پی آن؛ جنگ میان ارمنستان و آذربایجان بر سر زنگزور و نخجوان در نوامبر ۱۹۱۷م؛ حمله عثمانی در فوریه ۱۹۱۸ به ارمنستان؛ اعلام استقلال حکومت ماورای قفقاز در آوریل ۱۹۱۸؛ تجزیه حکومت فدراسیون ماورای قفقاز به جمهوریهای ارمنستان، گرجستان و آذربایجان در مه ۱۹۱۸؛ استقلال قره‌باغ و تهاجم ارمنستان به جنوب غربی آذربایجان؛ کودتای انقلاب سوسیالیستی در باکو و پیاده شدن نیروهای بریتانیا در آنجا در جولای ۱۹۱۸؛ خروج نیروهای بریتانیا از باکو در سپتامبر ۱۹۱۸؛ سقوط انقلابیهای سوسیالیست و سیطره حکومت جمهوریخواه بر تمامی آذربایجان؛ از سرگیری منازعه قومی در قره‌باغ؛ پایان جنگ جهانی اول و عقب‌نشینی عثمانی از جمهوری آذربایجان در نوامبر ۱۹۱۸ و اشغال دوباره جمهوری آذربایجان به دست بریتانیا؛ حمله عثمانی به ماورای قفقاز در دسامبر ۱۹۱۹؛ سقوط جمهوری دموکراتیک آذربایجان در آوریل ۱۹۲۰ و در پی آن روی کار آمدن کمونیستها.

بخش هفتم: دوران شوراها (ص ۱۳۵-۱۲۴)

۱. سرکوب و شورش در دهه ۱۹۲۰

۲. ظهور و سقوط آذربایجان جنوبی

۳. شورش دهقانان در ۱۹۳۰ و تصفیه‌های خونبار ۸-۱۹۳۶

۴. شرایط اجتماعی در دوره استالین

۵. دولتی شدن کامل اقتصاد

۶. قدرت گیری علی اف

۷. رکود اقتصادی و منازعات سیاسی مشمئزکننده

فرازهای تاریخی این بخش عبارتند از: تلاش برای جدایی در آذربایجان جنوبی به سرکردگی نیروهای چپ در فاصله ۲۰-۱۹۱۷؛ سرکوب خونین شورشهای ضد شوروی، در سرتاسر آذربایجان در فاصله ۵-۱۹۲۰؛ الحاق زنگزور به ارمنستان و کسب خودمختاری توسط نخجوان و قره‌باغ در درون خاک آذربایجان شوروی به دستور استالین در ۱۹۲۳؛ ایستادگی سرسختانه مردم در برابر سیاستهای اشتراکی کردن کشتزارها و در پی آن سرکوب خونین مردم در سالهای ۵-۱۹۳۰؛ تصفیه‌های استالینی در سالهای ۸-۱۹۳۷، پس از کشف طرح براندازی به دست نخبگان حزبی آذربایجان؛ کشته شدن بیش از صد هزار تن از مردم آذربایجان در جریان جنگ جهانی دوم؛ ساخت نخستین سکوی نفتی ساحلی دنیا در ساحل آبشرون در سال ۱۹۴۹؛ رهایی مردم آذربایجان از سیاست سرکوب شوروی در دوران حکومت خروشچف (۶۱-۱۹۵۴)؛ بحران سیاسی و اقتصادی در آذربایجان (۹-۱۹۶۴)؛ ظهور حیدرعلی اف در عرصه قدرت در ۱۹۶۹؛ فراخوانی علی اف به مسکو در ۱۹۸۲؛ درخواست ارمنستان برای پیوستن دوباره قره‌باغ به آن جمهوری در سالهای ۷-۱۹۸۶؛ کنار رفتن موقت علی اف از قدرت و روی دادن درگیریهای محلی در سومگایت و قره‌باغ و صدور نخستین اعلامیه جدایی طلبانه در شورای محلی قره‌باغ و اعمال حاکمیت مستقیم مسکو بر قره‌باغ در ۱۹۸۸.

سه بخش هشتم و نهم و دهم کتاب به طور خاص به ریشه‌ها و ابعاد تاریخی بحران قره‌باغ می‌پردازد. نگارنده در یک بررسی تاریخی درباره ریشه‌های اختلاف قومی در منطقه قره‌باغ آشکارا اعلام می‌کند که در طول تاریخ این منطقه سندی در تأیید مدعای مورخان ارمنی مبنی بر سرکوب ارمنی‌ها از سوی آذربایجانی‌های مقیم در آنجا یافت نمی‌شود؛ بلکه در بسیاری مواقع خاندان زمین‌دار ارمنی و آذربایجانی متحد و یکپارچه در برابر هجوم بیگانگان (مغول، ایرانی و عثمانی) سخت ایستادگی کرده‌اند.

نخستین برخورد قومی میان ارامنه و مسلمانان در اوایل سده هجدهم میلادی روی داد و آن هنگامی بود که نجیب‌زاده‌ای ارمنی به نام داوید با تشکیل ارتش شبه نظامی و تصرف قره‌باغ

● آذربایجان: در جستجوی هویت (تاریخچه)

علیا (کوهستانی) و گلستان خود را فرمانروای قره‌باغ خواند و شوشا را پایتخت خود قرار داد. بساط فرمانروایی داوید به زودی در ۱۷۲۸م با هجوم ارتش عثمانی برچیده شد. فن در لیو بر این باور است که ریشهٔ منازعهٔ کنونی در قره‌باغ به آن بخش از سیاست تزارهای روسیه جهت اعادهٔ امپراتوری روم شرقی و شکست امپراتوری عثمانی مرتبط است که این هدف را از طریق تضعیف درونی امپراتوری عثمانی با بهره‌برداری سیاسی از اقلیت ارمنی ساکن در آنجا، دنبال می‌کرد. تزار روسیه با پشتیبانی مالی و نظامی از آرامنه، از آنها به عنوان ستون پنجم روسیه و عوامل نفوذی و اخلاص‌گر در قلمرو عثمانی بهره‌برداری کرد. اعمال این سیاست سبب شد، عثمانی‌ها در پایان سدهٔ نوزدهم و اوایل سدهٔ بیستم از طریق کوچ اجباری، سرکوب و کشتار آرامنه دست به تصفیهٔ قومی آنها بزنند که اوج آن قتل عام گسترده در سالهای ۱۹۱۵ و ۱۹۱۶ بود. این اقدام عثمانی متقابلاً موجب نفرت آرامنه از مسلمانان ترک زبان شد و به افراطی‌گری قومی در میان آنها هر چه بیشتر دامن زد. همچنین تداوم پشتیبانی یک جانبهٔ تزارها از آرامنه مهاجر و بومی قفقاز در برابر آذربایجانی‌های قفقاز بستر تنش‌های اجتماعی و سیاسی قومی را فراهم ساخت. به عنوان نمونه در آغاز سدهٔ بیستم در صنعت نفت باکو کمتر از یک ششم کارگران آذربایجانی بودند و مدیران غالباً ارمنی آن، ترجیح می‌دادند نیروی کار مورد نیاز را از ایران تأمین کنند.

با وجود این نگارنده معتقد است که اختلافات قومی در منطقهٔ قره‌باغ را واحدهای سیاسی پیرامون قره‌باغ و از جمله آذربایجان و ارمنستان و روسیه شعله‌ور ساخته‌اند. وی می‌افزاید: حتی در اوایل دههٔ ۱۹۹۰ - که جنگ در قره‌باغ کوهستانی به اوج خود رسیده بود - بسیاری از ساکنان قره‌باغ از هر دو قومیت آذربایجانی و ارمنی بر این باور بودند که جنگ جاری از جانب آذربایجان و ارمنستان بالسویه بر آنها تحمیل شده است.

بخش هشتم: ابعاد تاریخی درگیری قره‌باغ (ص ۱۴۲-۱۳۶)

۱. پیشینهٔ تاریخی دعاوی آرامنه
۲. قره‌باغ در تاریخ سده‌های میانه
۳. قره‌باغ تا هنگام الحاق به روسیه

بخش نهم: دلوپسی‌های جنگ در سده بیستم (ص ۱۵۳-۱۴۳)

۱. برخوردهای قومی در سالهای ۱۹۰۵-۶
۲. نخستین برخوردهای قومی
۳. گروه‌های خشونت و ترور
۴. قره‌باغ کوهستانی در دوره فدراسیون ماورای قفقاز
۵. جمهوری دوم قره‌باغ کوهستانی و سقوط آن
۶. قره‌باغ کوهستانی زیر حاکمیت آذربایجانی‌ها، پیش و پس از سلطه شوروی

بخش دهم: قره‌باغ در دوره حاکمیت اتحاد شوروی و آغاز جنگ (ص ۱۶۸-۱۵۴)

۱. تشخیص خردمندانه استالین
۲. صحرای سومگاییت و جدایی قره‌باغ کوهستانی
۳. باکوی آشوب‌زده
۴. مخالفت‌ها بالا می‌گیرد
۵. بازگشت تروریسم ارمنی
۶. ژانویه سیاه
۷. ایازمطلب اف و فروپاشی شوروی
۸. مردم عادی رنج می‌برند

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

بخش یازدهم: استقلال و تشدید بحران (ص ۱۷۸-۱۶۹)

۱. قره‌باغ از کشمکش تا نبرد
۲. جنگ قدرت در باکو
۳. انتخاب ایلچی بیگ و تهاجم تابستان ۱۹۹۲
۴. ویرانی کلبجر و سقوط ایلچی بیگ

فرازهای تاریخی این بخش عبارتند از: وخامت تدریجی اوضاع در قره‌باغ و به ثمر رسیدن تلاشهای آشتی‌جویانه برای رفع اختلاف میان جوامع آذربایجانی و ارمنی در سالهای

● آذربایجان: در جستجوی هویت (تاریخچه)

۱۹۸۹-۹۰؛ سرکوب خونین اعتراضات ملی‌گرایانه و برخوردهای قومی در باکو از سوی ارتش شوروی در ۱۹۹۰؛ اعلام جدایی قره‌باغ کوهستانی از آذربایجان توسط مقامات محلی آن و آغاز پاکسازی قومی در ارمنستان و حمله ارتش ارمنستان و شبه نظامیان داشناک به قره‌باغ در سپتامبر ۱۹۹۰؛ آغاز ریاست جمهوری مطلب اف در مه ۱۹۹۱؛ اعلام استقلال آذربایجان از شوروی توسط مطلب اف و در پی آن اعلام استقلال قره‌باغ از آذربایجان توسط ارمنستان؛ شکست ارتش آذربایجان از نیروهای شبه نظامی قره‌باغ که از حمایت ارتش ارمنستان برخوردار بودند و قتل عام مردم خوجعلی به دست ارتش ارمنستان در ژانویه و فوریه ۱۹۹۲؛ کشتار در لاجین و شوشا به دست ارمنه در مه ۱۹۹۲ و برکناری رئیس‌جمهور مطلب اف؛ انتخاب ابوالفضل ایلچی بیگ به ریاست جمهوری در ژوئن ۱۹۹۲؛ تصرف کلیجر به دست ارتش ارمنستان در مارس ۱۹۹۳؛ درگیری میان نیروهای حکومتی آذربایجان در گنجه و شورش صورت حسین اف بر ضد حکومت مرکزی در ژوئن ۱۹۹۳ و در پی آن گریختن ایلچی بیگ به نخجوان؛ روی کارآمدن حیدرعلی اف پس از مصالحه وی با صورت حسین اف.

بخش دوازدهم: بن بست در دوره علی اف (ص ۱۷۹-۱۹۰)

۱. توقف جنگ داخلی

۲. ظهور و سقوط جمهوری خودخوانده تالش - مغان

۳. سقوط نهایی جبهه قره باغ

۴. استحکام حاکمیت رئیس‌جمهور علی اف

۵. بن بست در جبهه

۶. دست قدرتمند کرملین

۷. سوختن آرام طلای سیاه در افق

۸. برگزاری انتخابات عمومی

فرازهای تاریخی آن عبارتند از: تصرف اقدام به دست ارمنه و سقوط سریع جمهوری جدایی طلب «تالش - مغان» در فاصله جولای تا اوت ۱۹۹۳؛ گزینش علی اف به ریاست دولت و تصرف همه اراضی باقی مانده میان قره‌باغ کوهستانی و رود ارس در ماههای اکتبر و نوامبر

۱۹۹۳؛ حملهٔ نافرجام ارتش آذربایجان و در پی آن برقراری آتش بس شکننده در ماههای ژانویه تا مه ۱۹۹۴؛ شکست کودتای مأموران امنیت داخلی و برکناری صورت حسین اف و برگزاری انتخابات عمومی در ماههای اکتبر ۱۹۹۴ تا مارس ۱۹۹۵؛ امضای نخستین قرارداد نفتی بین‌المللی چند میلیارد دلاری و اختلاف با روسیه بر سر حقوق استخراج نفت از ساحل در ۱۹۹۶؛ اختلاف آذربایجان با ترکمنستان بر سر میداین نفتی حوزهٔ دریای مازندران در ۱۹۹۷؛ پیروزی علی اف در دومین دورهٔ انتخابات ریاست‌جمهوری در ۱۹۹۸؛ برگزاری اجلاس سران جمهوری آذربایجان و ارمنستان به ابتکار آمریکا در نوامبر ۱۹۹۹ و به توافق نرسیدن بر سر قره‌باغ؛ انتخاب الهام علی اف از سوی پدرش حیدر علی اف، رئیس «حزب آذربایجان جدید» به عنوان جانشین خود، و پیروزی حزب آذربایجان جدید در انتخابات شهرداری‌ها و موفقیت نسبی احزاب مخالف دولت، مساوات و جبههٔ خلق در دسامبر ۱۹۹۹.

در بخش پایانی کتاب با عنوان «سخن واپسین»، نگارنده از روش تاریخنگاری کلاسیک یا مدرن که در آن رویکرد به جوامع انسانی با نوعی ارزشگذاری و تقسیم آنها به ایده‌آل و بدوی یا پیشرفته و پسررفته همراه است، انتقاد می‌کند و بر این باور است که تاریخ و رویدادهای تاریخی از یک الگوی خطی انباشتی و پیوسته پیروی نمی‌کنند، بلکه وقایع تاریخی در دوره‌های تاریخی روی می‌دهند که بر هر دورهٔ تاریخی گفتمان خاصی حاکم است که آن را از دورهٔ پیش و پس از خود متمایز و متفاوت می‌نماید.

فن در لیو با پیروی از دیدگاههای فلسفی اندیشمندانی چون فوکو، مانهایم، لیوتار و هابرماس در باب مقولهٔ تاریخ و تاریخنگاری چنین عنوان می‌دارد: «تاریخ سازان بیش از آنکه گفتمان حاکم بر دوره‌ای که در آن قرار دارند، آنها را تحت تأثیر قرار دهد، می‌کوشند خودشان تاریخ بیافرینند و از بیم آنکه از گفتمان موجود متأثر شوند، کوشش می‌کنند خودشان گفتمان آفرینی کنند و وقایع را آن طور که در نظر دارند، شکل دهند، اما سرانجام گفتمانی که خود آفریده‌اند، آنها را از حرکت باز می‌دارد».

بر این اساس فن در لیو تاریخ آذربایجان را بر بستری خطی و پیوسته تلقی نمی‌کند و به نوسانات و گسسته‌های تاریخی در این سرزمین باور دارد. شاید به همین سبب است که کتاب خود را به بخشهای اصلی و فرعی فراوان و جداگانه‌ای تقسیم کرده است.

● آذربایجان: در جستجوی هویت (تاریخچه)

در پایان این گفتار لیو پیش‌بینی سرنوشت ملت جمهوری آذربایجان را در شرایطی که جهان وارد عصر جدید باگفتمانی نوین در تاریخ خود می‌شود، مشکل تلقی می‌کند. البته او این حکم را خاص آذربایجان نمی‌داند، بلکه درباره هر کشور و ملتی در جهان کنونی درست می‌شمارد. با وجود این وی بر این باور است که آذربایجان باید نقش جغرافیای سیاسی خود را نقطه تلاقی تمدنها دریابد و به جایگاهی که شایسته آن است در جامعه بین‌المللی دست یابد.

نقد کتاب

کتاب «آذربایجان در جستجوی هویت» از این امتیاز برخوردار است که فشرده‌ای از تاریخ این سرزمینی را یکجا در اختیار خواننده قرار می‌دهد. بویژه گاهشماری که لیو از رویدادها و حوادث مهم تاریخی از هنگام آغاز حضور بشر در این مکان در هزاره یازدهم پیش از میلاد تا سال ۲۰۰۰ میلادی (آغاز هزاره سوم میلادی) تنظیم کرده و در انتهای کتاب به صورت پیوست گنجانیده است، بر وزن امتیاز پیش گفته می‌افزاید. دیگر ویژگی مثبت کتاب گزارش جامعی است که لیو از تاریخ قره‌باغ و بویژه رویدادهایی که به بحران کنونی در قره‌باغ کوهستانی انجامید، عرضه داشته است. از آنجا که لیو خود در معرکه این منازعه به عنوان خبرنگار حضوری فعال داشته، به خوبی توانسته است از عهده ثبت و تحلیل وقایع برآید. لیو با رویکردی انتقادی نسبت به روش تاریخ‌نگاری کلاسیک مدرن، می‌کوشد در ثبت و گزارش رویدادهای تاریخی از روش فوکویی پیروی کند. تقسیم کتاب به دوازده بخش اصلی و باز تقسیم هر بخش اصلی به چند بهره فرعی نشان از تأثیر چنین روشی در تاریخ‌نگاری او دارد. اینکه از نظر محتوایی تا چه اندازه توانسته است به رویکرد فوکویی پایبند بماند، محتاج بررسی کارشناسی است که در این مقال نمی‌گنجد.

در مقام نقد این اثر شاید بتوان گفت، آشکارترین خطای نگارنده تعریفی است که او از آذربایجان ارائه کرده است. لیو در این کتاب نخست نام آذربایجان ایران را برای سرزمینی که به گواه تمامی اسناد و مدارک تاریخی موجود، نامی و نامهایی به جز آذربایجان داشته جعل می‌کند. سپس در این تعریف سرزمین آذربایجان را بر محور رود ارس به آذربایجان شمالی، یعنی کشوری که امروز جمهوری آذربایجان نامیده می‌شود و آذربایجان جنوبی، یعنی استانهای آذربایجان شرقی و غربی و اردبیل ایران تقسیم می‌کند.

این واقعیت تاریخی بر همهٔ اهل فن روشن است که جمهوری نوپای آذربایجان به استناد نوشته‌های مورخان باستان، چون پولیبیوس، استرابون و دیگران در عهد پیش از اسلام، آلبانیا نام داشته و به گواه منابع معتبر دورهٔ اسلامی چون آثار ابن‌فقیه، ابن حوقل، ابو عبدالله بشاری مقدسی، اصطخری، یاقوت حموی، ابوالفداء و دیگران، در دوران اسلامی از آغاز تا دورهٔ مغول به «اژان» یا «الزان» معروف بوده است. گاهی نیز از آن به دو نام اژان و شروان یاد کرده‌اند و همهٔ جغرافی‌نگاران مزبور محدودهٔ جغرافیایی دو سرزمین اژان و آذربایجان ایران را مشخص کرده‌اند و به صراحت اژان و آذربایجان ایران را از یکدیگر جدا دانسته‌اند و مرز شمالی آذربایجان را رود ارس نوشته‌اند. اطلاق نام آذربایجان بر سرزمین اژان نخستین بار از سوی سران حزب مساوات صورت گرفت. آنها در ۲۷ مه ۱۹۱۸ در تغلیس تشکیل دولتی به نام «جمهوری آذربایجان» را اعلام کردند. در آغاز مرکز این دولت شهر گنجه بود، اما پس از تصرف باکو به دست لشکریان عثمانی در ۱۵ سپتامبر ۱۹۱۸ مقرر دولتی به باکو انتقال یافت. مساواتی‌ها در حدود دو سال بر سرزمین اژان و شروان به نام جمهوری آذربایجان حکومت کردند. از آن پس رژیم‌های سیاسی جایگزین با اهداف سیاسی خاص خود از این نام معمول دست برنداشتند، به گونه‌ای که بلشویکها آن را جمهوری شوروی سوسیالیستی آذربایجان نامیدند و پس از استقلال این جمهوری در سپتامبر ۱۹۹۱ این نام محفوظ ماند.

لیو براساس تعریف ساختگی خود تاریخ سرزمینهای اژان و شروان و آذربایجان ایران را در ذیل آذربایجان بزرگ گزارش می‌کند و بدین ترتیب خواننده‌ای را که در این باره اندک آگاهی ندارد، به مسیری می‌برد که در پایان راه، آذربایجان ایران را پارهٔ جنوبی جمهوری آذربایجان تلقی کرده و فراتر اینکه آن را بخشی از قلمرویی تصور می‌کند که به طور طبیعی باید منضم به آذربایجان شمالی باشد.

شاید غفلت فن درلیو از بهره‌جستن از مآخذ معتبر و کلاسیک جغرافی‌نگاران و مورخانی مانند: استرابون و بلاذری و ابن حوقل و یاقوت حموی و مقدسی و اصطخری و دیگران در تألیف تاریخ قدیم این سرزمین، حاصل پژوهش او را تا بدین پایه سست و نامعتبر نموده است. برای نمونه لیو اژان و شروان و آلبانیا را صرفاً به رژیم‌های سیاسی و دوره‌های حکومتی که در مقاطعی از تاریخ بر این سرزمین حکمفرما بوده‌اند، تقلیل داده است.

● آذربایجان: در جستجوی هویت (تاریخچه)

این ذهنیت‌سازی بویژه در نقشهٔ صفحهٔ ۲۴ کتاب بازتاب یافته است که به طرز پرسش برانگیزی در نقشهٔ «خانات اصلی آذربایجان»، نام و مشخصات جغرافیایی شماری از شهرهای مهم و مراکز استان آذربایجان ایران چون اردبیل، تبریز، ارومیه، ماکو و خوی و جز آن را در کنار شهرهای جمهوری آذربایجان چون قُبه، گنجه، شیروان، شکلی، دربند، شوشا، قره‌باغ و قزاق و جز آن به عنوان خانات اصلی آذربایجان درج نموده است.

برای آگاهی بیشتر در زمینهٔ تاریخ جمهوری آذربایجان و نیز نقد نظرات لیبو مطالعهٔ فصلنامهٔ «گفتگو»، ویژهٔ مسألهٔ آذربایجان (ش ۳۳، خرداد ۱۳۸۱) و «کتاب اژان از دورهٔ باستان تا آغاز عهد مغول»، نوشتهٔ عنایت الله رضا (تهران ۱۳۸۰) و نیز «آذربایجان در ایران معاصر»، نوشتهٔ تورج اتابکی و ترجمهٔ محمد کریم اشراقی (تهران ۱۳۷۶) توصیه می‌شوند.

